

«در عالم رازیست که جز به

بهای خون فاش نمی شود...»

سیرت‌نوی آزادی انقلابی

انتخابات؛ گفتمان واحد مردم - صفحه ۳/۲

چون تو را نوح است کشتیبان، ز طوفان غم مخور

ناگهان باز دلم یاد تو افتاد شکست... - صفحه ۴

عکس نوشته: رئیسی عزیز؛ خستگی نمی‌شناخت

سخن سر دبیر



برای دانستن حقیقت لازم نیست راه دور و درازی را طی کنید. فقط کافی است زیر همین خُنکای کولر، کتاب تاریخ را باز کنید و تورقی در آن بفرمایید. حتی اگر زمانه های گوناگونی را بطور کاملاً گذرا نگاه کنید، قطع به یقین یکی از موارد مشترکی که به چشمتان می‌خورد، روحیه رشادت و شهادت و ظلم ستیزی ملت ایران خواهد بود. روحیه ای که با گذشته سرخ و آینده سبزمان گره خورده است. پیشین سرخی به نام اباعبدالله (ع) و پسین سبزی که جوانه امید ظهور را در قلبمان کاشته است.

خیلی‌ها ممکن است ما را سرزنش کنند که چرا دم از کربلا و عاشورا می‌زنید؟ آنها نمی‌دانند کربلا برای ما بیش از آنکه یک شهر باشد، یک افق است که آن را به تعداد شهدایمان فتح کرده‌ایم. نه یکبار نه دوبار... به تعداد شهدایمان! در حافظه تاریخی ما دهه هشتادی‌ها، پرننگ تر از همه، تصویر مردی حک شده که یادش دلها را نرم و چشم‌ها را تر می‌کند. بعد از سردار سلیمانی، مسیر روشن است. راه همان است و هدف همان؛ و پایان کار نیز! می‌خواهیم بگویم آدم مثل شهدا زندگی کند دست آخر شهید می‌شود، حتی اگر رئیس جمهور باشد! عروج خالصانه و ناباورانه رئیس‌جمهور امام رضایی ایران و تمامی همراهان گرانقدر ایشان، حزن سنگینی را میهمان قلوب کرد اما همان ابتدای سخن عرض کردم، تاریخ را ورق بزنید و ببینید: ما ملت شهداتیم! ما حوادث سختی را پشت سر گذاشته‌ایم! مرد این میدان ما هستیم برای دشمنان! به قول شهید آوینی عالم محضر شهداست، اما کو محرمی که این حضور را دریابد؟

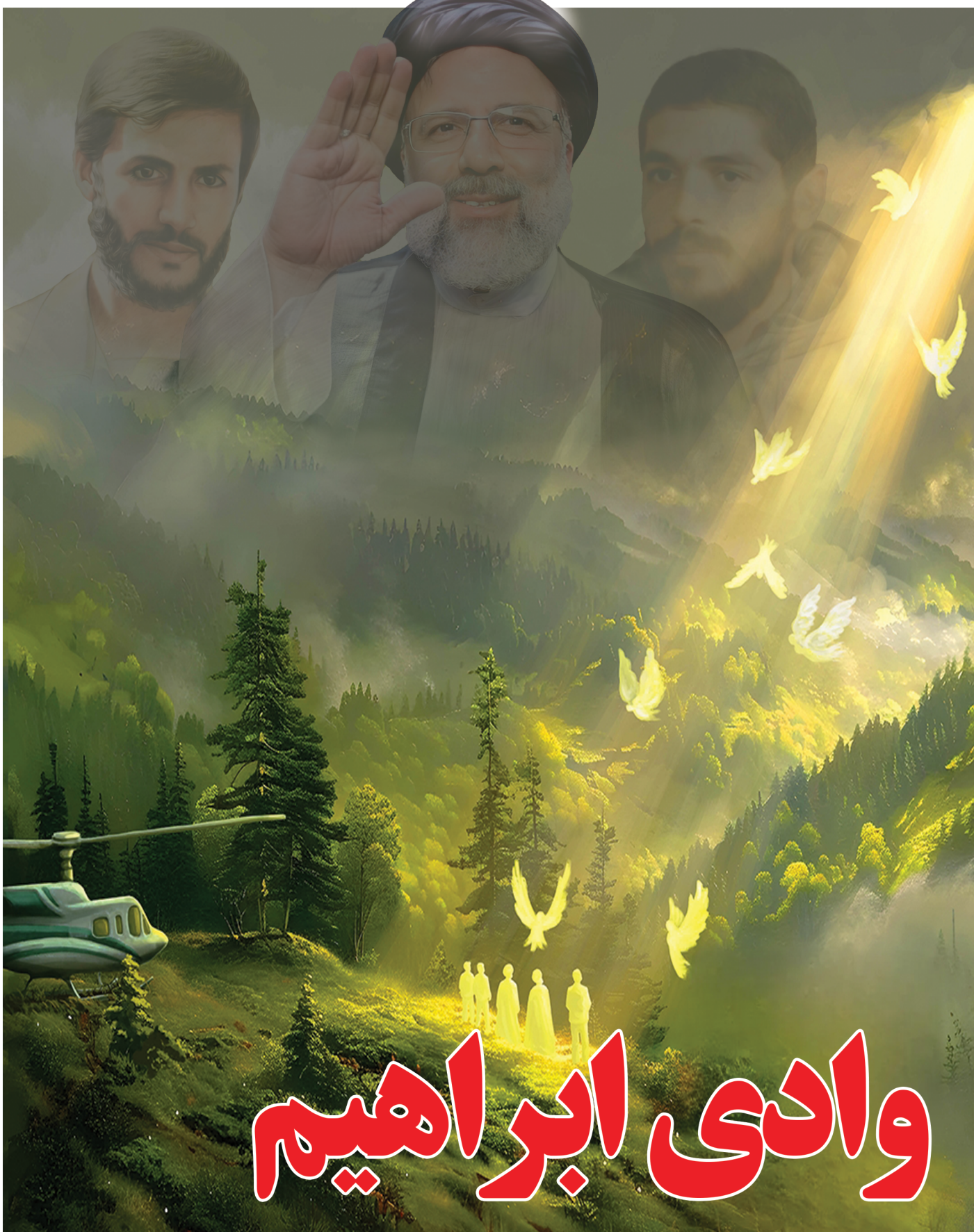
باشد که این مسیر مدید منتهی به ظهور، بی نیاز از نگاه فاجر نامحرمان باشد، ان‌شاءالله.

ضمن عرض تسلیت این حادثه به محضر حضرت ولی عصر (عج) و رهبر حکیم انقلاب و تمامی ملت شریف ایران...

والسلام

شهدای خدمت، دوباره این واقعیت را شناسانند که برای ابدی شدن، در میدان بودن یا در دیپلماسی خدمت کردن تفاوتی ندارد. و کلام آخر همان حرف نخستین: هدف و آرمان مشترک و ثابت قدم ماندن در آنها، خط معیار سعادت خواهند شد! روزی رجایی و بهشتی، روز دیگری جهان آرا و صیاد شیرازی، روز بعدی حاج قاسم و حججی، امروز ریسی و امیرعبداللهیان، و فردا شاید من و شما! دیپلماسی «و» میدان بال پروازند اگر شوق پرواز داشته باشیم!

زهرا عاشوری



بال پرواز

اذعان کنند. این مهم، در دولت انقلابی محقق شد؛ دولتی که امید داشتیم عملکردی به صلابت نامش داشته باشد. برای مایی که زخم ۱۳ دیماه‌مان با هر ندایی سر باز می‌کند، برای ما که جای خالی فرمانده برایمان جبران نمی‌شود حتی به فریاد های بلند، حتی به گریه‌های عمیق! همقدم شدن دیپلماسی و میدان، حیرت و لذت توأمان را به همراه داشت. همانجا که رئیس‌جمهور، قرآن را، تصویر حاجی را از سازمان ملل در برابر چشم‌های مسلح میلیون‌ها تکنولوژی مخابره می‌کند، دقیقاً همان جاست که نیروهای میدان، عملیات وعده صادق را پی ریزی می‌کنند. این تعامل و اتحاد چنان عزت روی عزت مملکت گذاشت که برای تماشای آن چشم مسلح و غیر مسلح دیگر توفیری نداشت. راندمان آن هم شد برگزیده شدن رئیس‌جمهورش، وزیر امور خارجه‌اش، روحانی‌اش، نظامی‌اش، و...

هدف مشترک و آرمان مشترک است که اساساً دیپلماسی و میدان را ایجاد کرده و راسخ ماندن در همین هدف و آرمان، سرنوشت تقابل یا تعامل آنها را ترسیم می‌کند. عملیات وعده صادق نشان داد علی‌رغم آنچه که بعضی از سیاستمداران و روشنفکران ما تصور می‌کنند که دیپلماسی و میدان دو عرصه کاملاً مجزا از یکدیگرند، می‌شود میان این دو عرصه هم افزایی زیادی ایجاد کرد. اقدامات و بیانیه های خردمندانه و سنجیده وزارت امور خارجه و هماهنگی آن با اقدامات نیروهای مسلح به وضوح ثابت کرد که این دوگانه وجود ندارد بلکه حتی می‌شود گفت که در حقیقت، خود دیپلماسی یک میدان است؛ همانطور که میدان هم دارای دیپلماسی است. از برکات هم‌افزایی دیپلماسی و میدان، همین پیچیدگی و نظم همه جانبه عملیات وعده صادق بود که تمام جهان را در شوک و حیرت فرو برد و آنها را واداشت که به این قدرت و بی بدیل بودن این عملیات،



# رئییسی عزیز خستگی نمی‌شناخت

## انتخابات؛ گفتمان واحد مردم

چند دقیقه‌ای است که کنار پنجره نشستهام به نظاره غروب زیبای خورشید، و اکنون که صدای اذان تمام محوطه خوابگاه را پر کرده است. من همچنان خیره شده به یک نقطه و ذهن پریشانم اتفاقات مهم چند سال اخیر را مرور می‌کند اتفاقاتی که هر کدام از آنها به نوع بینش و تصمیم‌گیری ما نسبت به موضوعات گره خورده است. کلمه ( ما ) یعنی تمام مردم یعنی آن افرادی که در مرحله اول با تفکر و تصمیمات خود و در مرحله دوم با عمل کردن به آن در برهه‌هایی از زمان و میدان‌های گوناگون نقش ایفا کرده‌اند. مخصوصاً از اوایل دهه ۹۰ تا به الان که شاهد فراز و نشیب‌های زیادی چه در درون کشور و چه در خارج از مرزهای ایران بوده و در زمان حال که بیننده بسیاری از جنایات‌ها و ظلم‌ها علیه بشریت هستیم. در این ایام که مزین به نام ( ایام الله جمهوری اسلامی ایران ) است در یک پیچ تاریخی بسیار عظیم و بی‌جایده قرار داریم که مسائل داخلی، منطقه و فرا منطقه‌ای را در بر گرفته و جامعه امروز به آگاهی فردی و اجتماعی در بسیاری از موضوعات و حوادث در حال وقوع نیازمند است. این مسیر تمدن ساز نگاه مدرن و نوین چند صد ساله غرب را مورد بازخواست قرار داده و این مردم جهان هستند که به مرور به این سوالات پاسخ خواهند داد. مسئله مهم و حائز اهمیت این است که کشور ما (ایران) در نقطه ثقل و مرکزیت این تاریخ قرار دارد و اگر حواسمان را جمع نکنیم تاریخ ما را با خود خواهد برد. انتخابات پیش رو دقیقاً آن چیز است که می‌تواند این پیچ تاریخی را در مسیر درست خود هدایت کند، بانقویت آگاهی فردی و اجتماعی که در بالا از آن نام بردم و تبدیل این مسئله (اتفاقات حال حاضر دنیا) به یک گفتمان واحد در بین مردمان دنیا به خودی خود و به اذن خداوند به یک نتیجه درست خواهد رسید.

انتخابات ریاست جمهوری در کشورمان از اول تاسیس انقلاب اسلامی ایران تا به امروز مهم‌ترین، حیاتی‌ترین و جامع‌ترین عرصه و میدان کنشگری برای فعالیت و کسب تجربه‌های گوناگون، تعیین پیشبرد اهداف و ریل گذاری حرکت کشور بوده است. و حالا در این تاریخ از عمر ۴۵ ساله انقلاب اسلامی زمان آن رسیده که با استفاده از قوه تعقل و تفکر و همچنین تجربه‌های کسب نموده شاخصه و معیارهای یک رئیس‌جمهور انقلابی و متعهد را در کنار هم گذاشته و طبق آن چینش، فرد اصلح را انتخاب کنیم. تا قطار طویل جمهوری اسلامی ایران با قدرت و سرعت تمام بتواند به سمت قله و آرمان‌های خود حرکت کند و ملت عزیز ایران مانند همیشه سربلند از این امتحان بیرون خواهند آمد.



خودباوری تا در رگ‌های آدم رسوب نکند تبدیل به رفتار نخواهد شد. این تصویر را ببینید بی‌هراس و با اطمینان خودش را به دست سرمایه‌های کشور سپرده است. خودتان را جای آن نخبگان و جوانان سازنده واکسن ایرانی بگذارید، این تصویر چقدر حال شما را خوب میکند؟

دریافت نوبت اول واکسن ایرانی کرونا | ۱۷ مرداد ۱۴۰۰



توی همین سیاه چادر سمنانی‌ها یک نفر صدایش را بالا برد و خواسته اش را با فریاد اعلام کرد. اما آرامش رئیس‌جمهور را که دید عذرخواهی کرد و گفت: ببخشید ما عشایر کوه و کمربند حرف زدن عادت داریم. رئیس‌جمهور خندید و گفت من اینجا هستم که حرف بزنید. سقف این چادر هم حفره ای دارد که هر چقدر داد بزنید صدا بیرون میرود و توی دل کسی نمی‌ماند.

حضور رئیس‌جمهور در سیاه چادر عشایر مهدیشهر | ۱۳ آبان ۱۴۰۰



برگرداندن حق مردم از سواحل کار بزرگ آقای رئیسی در همین یک سال اخیر بود. رئیس‌جمهور اصلاح را از خودش و تشکیلات تحت نظارت خودش شروع کرد و سرمایه ملی را از دولت گرفت و به مردم برگرداند. برگرداندن سهم مردم به خودش منتی ندارد، اما پس دادن حق ملت دولتی شجاع و مردمی می‌خواهد.

بازدید از سواحل آزادسازی شده استان مازندران  
۲۰ اسفند ۱۴۰۰

امیرحسین رضایی



## چون تو را نوح است کشتیان، ز طوفان غم مخور

چند ساعتی از اعلام خبر حادثه گذشته بود ... در میان هیاهوی خبر در همان حوالی جمله ای از جانب حضرت آقا در دیدار جمعی از خانواده‌های سپاه بیان شد. جمله ای که دل هاراقرص و اراده‌ها را پولادین تر از قبل کرد. «ملت ایران نگران نباشند، هیچ اختلالی در کار کشور بوجود نمی‌آید» جمله را می‌توان اینگونه تعبیر کرد، جمهوری اسلامی با رفتن افراد کلیدی و قدرتمند دچار تزلزل و اختلال نخواهد شد چرا که محوریت ایران اسلامی «مردم» است. خبر جمله ای از حضرت امام در واکنش به شهادت آقای رجایی را در ذهن‌ها تداعی میکند «ملت ما با تمام قدرت ایستاده‌اند، تا همچون شهدایی تقدیم کنند.»

در آن روزها که حکومت جمهوری اسلامی کودک نوپایی بود که همگان گمان می‌کردند با رفتن یک رئیس‌جمهور، نظام هم از پا خواهد افتاد. کلام امام خط پیش روی ایران را روشن تر از همیشه کرد.

رفتن یک رئیس‌جمهور خللی در امور کشور ایجاد نکرد و کودک نوپای انقلاب امروز به انسان بالغ و چهل و پنج ساله ای مانند است که در برابر تند بادهای روزگار چونان سرو از خود استقامت نشان می‌دهد. حتی اگر این تند باد رفتن رئیس‌جمهور دیگری باشد.

روزهای پر تلاطم چهل و پنج سال گذشته اراده‌ی ملت را قوی تر کرد. رفتن افراد کلیدی عزم هاراجزم تر و تلاش‌ها را چندین برابر کرد و حالا ما در جایی ایستاده ایم که نزدیک به قله ایم. درجایی هستیم که در دیپلماسی، صنعت و سیاست خارجی حرف‌ها برای گفتن داریم. آنقدر که اگر رئیس‌جمهوری از میان می‌رود سران چند ده کشور به او ادای احترام می‌کنند. ما امروز صدای ایران را به دنیا رسانده ایم و این صدا صدای پیشرفت و ترقی ایران عزیز است.

در مسیر پیشرفت همانگونه که باید مصمم بود و تلاش کرد به دستان حمایتگر و سکانداران با درایت نیز احتیاج است و این سکانداران همان افراد کلیدی هستند. همان‌ها که اگر ثابت قدم بوده و در مسیر آرمان‌های انقلاب از جان و دل تلاش کنند و دستان حمایتگرشان بر سر مردم باشد این مسیر ترقی پیشرفتی دو چندان خواهد داشت.

این دستان حمایتگر و پشتوانه‌های محکم حاصل انتخاب‌هایست که با آینده‌نگری همین مردم صورت می‌پذیرد. اینجا مردم انتخاب می‌کنند چه کسی سکان دار این کشتی نوح باشد!

زینب رحیمی



برای اینکه مردم باور کنند رئیس‌جمهور یکی از خودش است، اول از همه خود رئیس‌جمهور باید به این باور برسد. باید از آن جایگاه ویژه، از آن آکواریوم‌های محافظت‌کننده بیرون آمد. دقت کنید هیچ نظمی بهم نخورده است! مردم یکی از خودش را وقتی بین خودش می‌بینند راحت‌اند. عادی رفتار میکنند، زندگی خودش را میکنند. حتی اگر آن یک نفر رئیس‌جمهور باشد.

دیدار رئیس‌جمهور با اقشار مختلف مردم | ۱۲ خرداد ۱۴۰۱



اگر به پشت سر زن نگاه کنید یک اسپند دود کن است که احتمالاً طبق رسوم قدیمی برای دوری از چشم زخم دیگران در آن اسپند دود میکنند. تصور اینکه چه چیزی از این زندگی چشم زدن دارد برای ما سخت است. برای او اما همین چند ظرف و ظروف جای شکر گذاری دارد. راه درست این است که رئیس‌جمهور در این خانه‌ها را بزند و گرنه اغلب اغنیا هیچ وقت سیر و راضی نمی‌شوند.

حضور در یکی از محلات حاشیه‌ای زنجان | ۲۷ آبان ۱۴۰۰



بر خلاف تصور خلیها همیشه کلمات نیستند که زبان دنیا را می‌سازند. حرف زدن به زبان دنیا یعنی ایستادن در نقطه ای که حاصل خودباوری است. حالا ماهواره‌های ما یکی یکی به فضا می‌روند و دنیا دارد تلاش میکند به زبان ما حرف بزند. گاهی لازم نیست به زبان دنیا حرف زد وقتی دنیا مجبور است از زبان ما استفاده کند.

بازدید دکتر رئیسی از نمایشگاه دستاوردهای صنعت فضایی  
۵ آذر ۱۴۰۰





این دست‌های بلند شده پرچم‌های امید هستند، پرچم‌های سفیدی که محل فرود بالگرد رئیس جمهور را نشان می‌دهند. باور کنیم یا نه، اتفاقات یک سال اخیر مردم را نسبت به آینده امیدوارتر کرده بود. آنها به امید بهبود اوضاع جمع شده اند و گرنه کسی از ملاقات بی نتیجه به وجد نمی‌آید.

روستای تنگ شاه عنبر آباد | ۲۱ مرداد ۱۴۰۱



به این قاب نگاه نکنید. به این قاب افتخار کنید، آدم را یاد روزهای اول انقلاب می‌اندازد. مسئولان تراز اول کشور سر سفره عشایر نشسته اند، روی زیراندازی که حتی یکدست نیست. روش درست حکومت داری این است. باید به مردم برگشت. به قلب مردم به جمع مردم برگشت. باید دوباره به انقلاب اسلامی برگشت! انقلابی که میراث مستضعفان بر زمین است.

بازدید سرزده آیت الله رئیسی از مناطق زلزله مرده اندیکا | ۷ آبان ۱۴۰۰



برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت همیشه بهانه وجود دارد. خشکسالی، گرمای کره زمین و عملکرد بد گذشتگان.. اما برای حل مشکلات باید به دل خطر زد. حکومت داری یعنی این. یعنی سراغ حل مشکلاتی برویم که باعث و بانی آن نیستیم.

حضور آیت الله رئیسی در جمع اهالی روستای تنگ شاه عنبر آباد | ۲۱ مرداد ۱۴۰۱



بگو کسی بغض نکند. بگو زنان چادر به چهره نکشند. ابراهیم بگو این کاور به تن‌های سفیدپوش اینقدر دنبال پیکر نگردند. بگو دور شوند. بگو ما یاد بنی‌اسد می‌افتیم که شبانه دنبال زنده‌های یا پیکری می‌گشتند در نینوا برای بازگرداندن. تو کاش اما که برمیگشتی ابراهیم... ما همان دهه شصتی‌هایی هستیم که داغ دیده ایم... چه فرق است بین شهید بهشتی و حاج قاسم وقتی هر دو مکتب خمینی را به اوج رسانیده اند... چه فرق است بین رجایی و ریسی وقتی که یک هدف را دنبال کردند و به یک سرنوشت منتهی شدند... نمیدانم خودمان در کدام شب‌های تاریک شیعه گم خواهیم گشت. نمیدانم ناممان در کدام کوچه تاریخ دفن خواهد شد، فقط میدانم ایران، ایران می‌ماند. ایران، سرزمین زخمی از عشق، ایران امام رضا، ایران رضا خواهد ماند.

پن: از دیشب تا دم صبح با این عکس‌ها مشغول بودم که بفهمم چطور شده؟ چه می‌شود؟

حاجی را ببینید و تکرار کنید «مگر از خون زنده تر هست؟!»

این هم اپیزود نمیدانم چندم از آشفته‌گویی‌های ماخوذ از بَعْضِ من از داستان «تراژدی‌های زیسته»...

زهرا عاشوری



### دل‌نویسه



### ناگهان باز دلم یاد تو افتاد شکست...

اینجا، ورزقان، صفحات پایانی داستانی ورق خورد که آغازش از کوچه پس کوچه‌های مشهد الرضا رقم خورده بود...

۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳، ساعت را یادم نیست، شما ۷ در نظر بگیرید، شاید هم ۸.. سرم به دیوار خورده انگار... به این فکر می‌کنم داغ، داغ است. همانطور که درد، درد است و از هر طرف بخوانی چیزی عوض نمی‌شود :) اما ما به رفتن‌های بی‌بازگشت مردان قبیله عادت داریم. ما بار نخستمان که نیست. ما این روزها را بلدیم. ما این شب‌ها را مشق کرده‌ایم. در پی قرن‌ها رفتن بی‌بازگشت. بی‌خداحافظی حتی. ما بزرگ‌مرد طایفه به مسجد فرستاده‌ایم، فرق دو نیم تحویل گرفته ایم. ما زیباترین پسر رسول را به سابط فرستاده‌ایم، ران زخمی زهرآلود گرفته‌ایم. ما رعناترین جوان قبیله را به شط فرستاده‌ایم، کمرخمیده و بی‌دست یافته‌ایم. ما اَشبه‌الناس به نبی را میان لشکر اشقیاء فرستاده‌ایم؛ بی‌بازگشت. اربا اربا. نیافته‌ایم. ما کامله مرد پنج‌ماهه هفت ساله به گودال فرستاده‌ایم... هیچ... آه.

### شناسنامه:

- صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه هرمزگان
- مدیر مسئول: امیرحسین رضایی
- سردبیر: زهرا عاشوری
- هیئت تحریریه: زهرا عاشوری، زینب رحیمی، امیرحسین رضایی

### راه‌های ارتباطی با انجمن اسلامی دانشجویان مستقل



mostaghelhu



mostaghelhu



mostaghelhu



mostaghelhu1